

# بصیرت‌های پیام سلسنتین

جلد اول

مطالعه بصیرت‌های نه گانه

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

مؤلف:

احسان عباافها

سرشناسه	: عبايفها، احسان، ۱۳۶۲-
عنوان و نام پدیدآور	: بصيرت‌های پیام سلسنتين / مؤلف احسان عبايفها.
مشخصات نشر	: تهران: سروش برتر، ۱۴۰۲-
مشخصات ظاهري	: ج: ۱/۱۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۶۲۲-۸۰۱۲-۲۹-۲
وضعيت فهرست نویسی	: فيبا
یادداشت	: کتاب حاضر بر اساس کتاب "پیام سلسنتين" اثر جمیز ردفیلد است.
مندرجات	: ج.۱. مطالعه بصيرت‌های نه گانه
موضوع	: زندگی معنوی - Spiritual life
موضوع	: ردفیلد، جمیز - پیشگویی آسمانی -
موضوع	: Redfield, James . Celestine prophecy
موضوع	: راه و رسم زندگی Conduct of life
رده بندی کنگره	: ۶۲۴BL
رده بندی دیویی	: ۴/۳۰۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۵۲۶۴۹۶
اطلاعات رگورده کتابشناسی	: فيبا

مؤلف: احسان عبايفها

عنوان: بصيرت‌های پیام سلسنتين

ناشر: سروش برتر

تیراژ: ۱۰۰۰

سال نشر: ۱۴۰۳

نوبت چاپ: اول

شماره پخش: ۰۹۳۵۲۴۰۸۱۹۹

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

قیمت: ۱۴۰،۰۰۰ تومان

## توشه راه

- ۹..... سخنی با خواننده
- ۱۵..... جیمز ردفیلد کیست؟
- ۱۸..... بصیرت اول جمعیت بحرانی (تعیین کننده) (A Critical Mass)
- ۲۹..... بصیرت دوم لحظه اکنون ابدی (The Longer Now)
- ۳۹..... بصیرت سوم مسئله انرژی (A Matter of Energy)
- ۴۹..... بصیرت چهارم مبارزه برای قدرت (The Struggle for Power)
- ۵۶..... بصیرت پنجم پیام عارفان (The Message of the Mystics)
- ۶۲..... بصیرت ششم تسویه گذشته (Clearing the Past)
- ۷۴..... بصیرت هفتم تعهد به جریان (Engaging the Flow)
- ۸۲..... بصیرت هشتم اصول اخلاقی بین فردی (The Interpersonal Ethic)
- ۹۶..... بصیرت نهم فرهنگ در حال پیدایش (The Emerging Culture)
- ۱۱۱..... در ادامه ...
- ۱۱۳..... سخن پایانی

## سخنی با خواننده

آرامش، آسودگی، رضایت، امنیت، ثروت و... چه واژگان آشنایی. کمتر کسی را می‌توان یافت که در طول روز حداقل یک بار به این کلمات فکر نکند، برای نداشتن آنها افسوس نخورد، یا برای داشتن آنها تلاش نکند. شاید فرقی نکند که ما، چه در زندگی شخصی، زندگی مشترک، یا زندگی شغلی و اجتماعی خود، چه در ارتباطمان با خانواده، همکاران و دوستان، یا دیگر جنبه‌های زندگی، خود را در آرامش و رضایت بدانیم یا ندانیم، اما بسیار فرق می‌کند که معنا و حقیقت آنها را می‌دانیم یا نه!

اینها مفاهیمی هستند انتزاعی، که تحقیق و اندازه‌گیری آنها، وابسته به شاخصه‌های متعددی است از جمله اعتقادات اجتماعی و فرهنگی و ایدئولوژی‌های فلسفی و معنوی. شناخت، واکاوی و درک این مفاهیم در عین درنظر گرفتن شاخصه‌های فوق، چیزی است که جامعه‌شناسان قرن‌هاست با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، اما قصد ما در این مجال پرداختن به آنها نیست.

نویسنده کتاب «پیام سلسنتین» در آن کتاب مسیری فراتر از این شناخت و اندازه‌گیری‌های معمول را به خواننده نشان می‌دهد، و او را به قدم برداشتن در جاده‌ای هدایت می‌کند که گویی با وجود اینکه هر لحظه عمر از آن جاده عبور می‌کرده، اما هرگز آن را زندگی نمی‌کرده. او تصاویری را در این جاده به ما نشان می‌دهد که گاهی با خود فکر می‌کنیم که اوه! من این تصویر را همیشه می‌دیدم، و حتی بارها به دیگران نشان می‌دادم، اما هیچ وقت آن را تماشا نکرده بودم!

دیدن به آن معنا که تصویری بر اساس قوانین فیزیک و انعکاس نور به چشم ما بخورد، و ما آن را ببینیم! و تماشا به آن معنا که ما بر اساس کشش و جاذبه ذهنی و احساسی مان، به تماشای عمیق چیزی بپردازیم، آن چیز بر ما تاثیر بگذارد و ما را به تفکر و بروز احساسات وا دارد!

اما اینها واقعاً چه فرقی با یکدیگر دارند؟ چه اهمیتی دارد که ما چیزی را ببینیم یا به تماشای آن بپردازیم؟! و این مفاهیم چه ارتباطی با اصل انرژی دارند؟

این مفهوم فارق از عمق تاثیری که دیدن! یا تماشا کردن! در نفس عمل باهم دارند، و نیز واکنش‌های فیزیکی و مشهود، و همچنین غیرفیزیکی و نامشهودی که در وجود ما از خود برجا می‌گذارد، از آنجایی سرچشمه می‌گیرد که شاید هرکسی در درون زندگی خود، و در عمق لایه‌های شخصیتی‌اش احساس کند که در حال تجربه بهترین یا بدترین شرایط ممکن در جهان است، شاید! اما آگاه بودن یا نبودن از معنای حقیقی این مفاهیم، نه تنها در خود ما، بلکه در جهان اطراف ما و تمام هستی، به شکلی باور نکردنی تاثیرگذار است. این همان مفهومی است که در «پیام سلسنتین» بعنوان مفهومی فراتر از یک دیدن معمولی، بلکه تماشای تصویری والاتر از انسان و ماهیت حقیقی او پرداخته شده است. و آن چیزی نیست جز مسئولیتی که هر یک از ما در عین حضور جسمانی خود در جهان فیزیکی، بعنوان وجودی روحانی برعهده گرفته و آن را برای قرن‌ها و قدم به قدم به دوش کشیده‌ایم!

تاثیر گذاشتن، و تاثیر پذیرفتن از دیگران، چیزی است که همواره و در تمام تاریخ آفرینش مطرح بوده است. هرچند در واقع تمام عناصر طبیعت بر هم تاثیرگذار و از هم تاثیرپذیر هستند و این تاثیرات، نه فقط در خصوص انسانها بلکه در تمام طبیعت قابل مشاهده است. اما بدیهی است که تاثیرات انسان، این عنصر معصوم و دوست داشتنی، چه بر خود و چه بر اطراف خود بسیار عمیق تر از دیگر عناصر شناخته شده در طبیعت بوده و هست. این موضوع شاید در بدو آگاهی، ما را به خود مغرور ساخته و اشرف مخلوقات بودنمان را (البته اگر اینطور باشد!) به شکل جالبی توجیه و اثبات نماید، اما پیامی که نویسنده در کتاب «پیام سلسنتین» سعی در انتقال آن به ما و جلب توجه ما به آن دارد، رسالتی است که از ابتدای آفرینش و به واسطه همین توانایی متوجه ما بوده و ما با آن آگاه نبوده ایم و این بسیار ساده لوحانه است. یا در عمق ذات الهی خود و همواره از آن آگاه بوده ایم، اما هربار که هستی سعی در تلنگر زدن به ما و متوجه کردن ما بوده، روی خود را به سوی دیگری چرخانده، و از معنای پیام دوستانه و دلسوزانه هستی اظهار ناآگاهی کرده ایم!

تصمیمی که شاید هیچ وقت نه دروناً به آن معتقد بوده ایم و نه در اجرا به آن ایمان داشته ایم، اما تحت عناوینی همچون جبر زمانه و سهو عوام فریبانه، تن به آن داده ایم و در نتیجه‌ی همین تصمیم، امروز شاهد آنیم که جهان ما که در ابتدای خلقت سرشار از نور، عشق، فراوانی و زیبایی بود، لبریز شده از تاریکی، خشم، زیاده خواهی و میل به انتقام! و مسئول این شرایط، جز همان عنصر معصوم و دوست داشتنی! هیچ عنصر دیگری در طبیعت نیست.

«پیام سلسنتین» ما را با این مسئولیت آگاه می‌کند و با کلامی بسیار دلنشین و محبت‌آمیز، به چگونگی بروز این تاثیر متعهد می‌کند. نویسنده آن کتاب بار دیگر ما را با رسالتی که همواره بر عهده نسل بشر بوده است روبرو می‌کند و عمل کردن به آن را برای ما چنان سهل می‌نماید، که با خواندن هر صفحه آن، گویی در حال نوشیدن آبی گوارا هستیم، در یک نیمروز داغ.

آبِ گوارایِ رسالتِ حقیقیِ انسان بودن، در نیمروزِ داغِ جهانِ ملتهبِ اکنون.

من به عنوان یک جستجوگر بزرگ شده‌ام. می‌توانم به یاد بیاورم که از سنین پایین، می‌خواستم پاسخ کامل‌تری به سوالات گیج‌کننده زندگی بدهم. مطمئناً همه می‌دانند که ما باید بزرگ شویم، راهی برای امرار معاش پیدا کنیم، از فرزندانمان مراقبت کنیم و به دنبال دنیایی بهتر باشیم. اما برای من سوالات بزرگ‌تری نیز وجود داشت. موضوعاتی که هیچ‌کس در مورد آنها صحبت نمی‌کرد.

سوالاتی از این قبیل که چرا ما در این زندگی و در این مکان و زمان هستیم، و چرا زندگی گاهی تا این حد سخت است.

جیمز ردفیلد

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)